



شکرهای پرماجرا

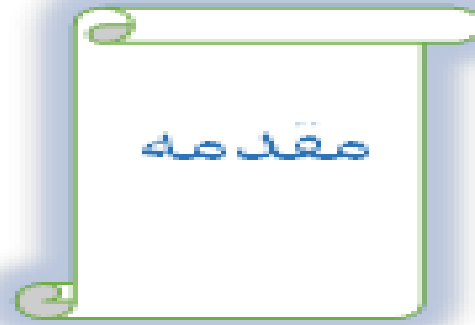
آموزش روخوانی و روانخوانی قرآن کریم
به روشی آسان و جذاب برای کودکان



گرد آورنده: معصومه اکبری لیواری
مربی طرح امین

فهرست

- ❖ قسمت اول : اردو
- ❖ قسمت دوم: اسامی حروف
- ❖ قسمت سوم : شهر باز
- ❖ قسمت چهارم : شهر شکسته .
- ❖ قسمت پنجم : شهر پیوسته
- ❖ قسمت ششم : بی حرکت ها
- ❖ قسمت هفتم: دو قلو های به هم چسبیده
- ❖ قسمت هشتم : الف دوستی
- ❖ قسمت نهم : نون پنهان
- ❖ قسمت دهم : اختلاف تنوین و الف وصل
- ❖ قسمت یازدهم : حروف بی اثر
- ❖ قسمت دوازدهم : قوانین سکوت و تنفس
- ❖ قسمت سیزدهم : دوستان صمیمی
- ❖ قسمت چهاردهم : قانون تلفظ الف وصل در ابتدای خواندن



تعلیم و تعلم قرآن کریم بر هر فرد مسلمان چه کوچک باشد چه بزرگ، لازم و ضروری است. اگر تاکنون عدم آشنایی شما با روحیات کودکان باعث عدم جذب آنان به سوی قرآن شده است، از هم‌اکنون بر آن شوید تا گام نخست را در آموزش قرآن برای کودکان بردارید. و از خداوند منان بخواهید تا شما را یاری نماید و به بالاترین مرتبه و مرحله از آشنائی با کتابش به پیش برد. آنچه در آموزش کودکان بسیار مؤثر است آموزش غیر مستقیم و ورود به تخیلات آنان است. یکی از راه‌های ورود به خیال کودک داستان‌سرایی و قصه‌پردازی است. این امر، شما را قادر خواهد ساخت تا در زمان کوتاهی به نتیجه مطلوبی دست یابید. و کودکان به راحتی و غیرمستقیم با بسیاری از قواعد روخوانی و روان‌خوانی قرآن آشنا شوند. کتابی که در پیش رو دارید علاوه بر آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن به صورت داستان، به امور زیر نیز توجه دارد: تشویق کودک به مشورت و فکر کردن قبل از انجام هر کاری، ایجاد روحیه حضور در فعالیتهای دسته‌جمعی، کمک به هموعان، تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف، اطاعت از ولی امر و سرپرست برای برقراری نظم و انضباط در جامعه. به همراه این کتاب، کتاب دیگری نیز تالیف شده است و شامل تمریناتی است که انجام آنها می‌تواند مهارت کودک را در قرائت قرآن تقویت کند. لازم به ذکر است، که فراگیری صحیح این کتاب به کمک استاد در کلاس میسر است. و برای کسب مهارت در خواندن آیات، انجام دقیق تمرینات کتاب کار و همچنین تداوم بخشیدن به قرائت، از روی آیات قرآن کریم امکان‌پذیر است.

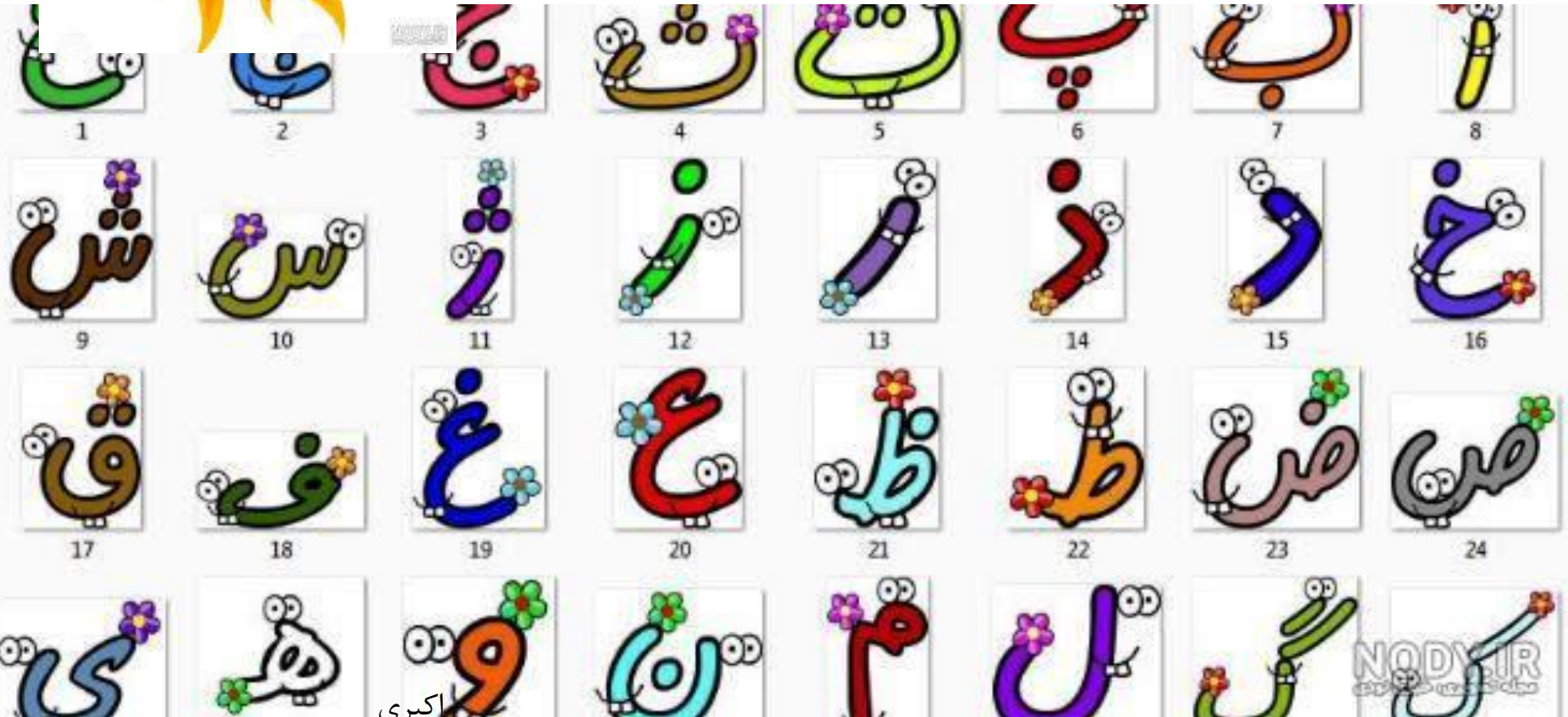
قسمت اول

اردو

یکی بود دوتا نبود فقط و فقط خالق مهربان بود .

در سال‌های خیلی دور، در یکی از روزهای گرم تابستان

حروف الفبا دور هم نشسته بودند و از خاطراتشان می گفتند



اکبری

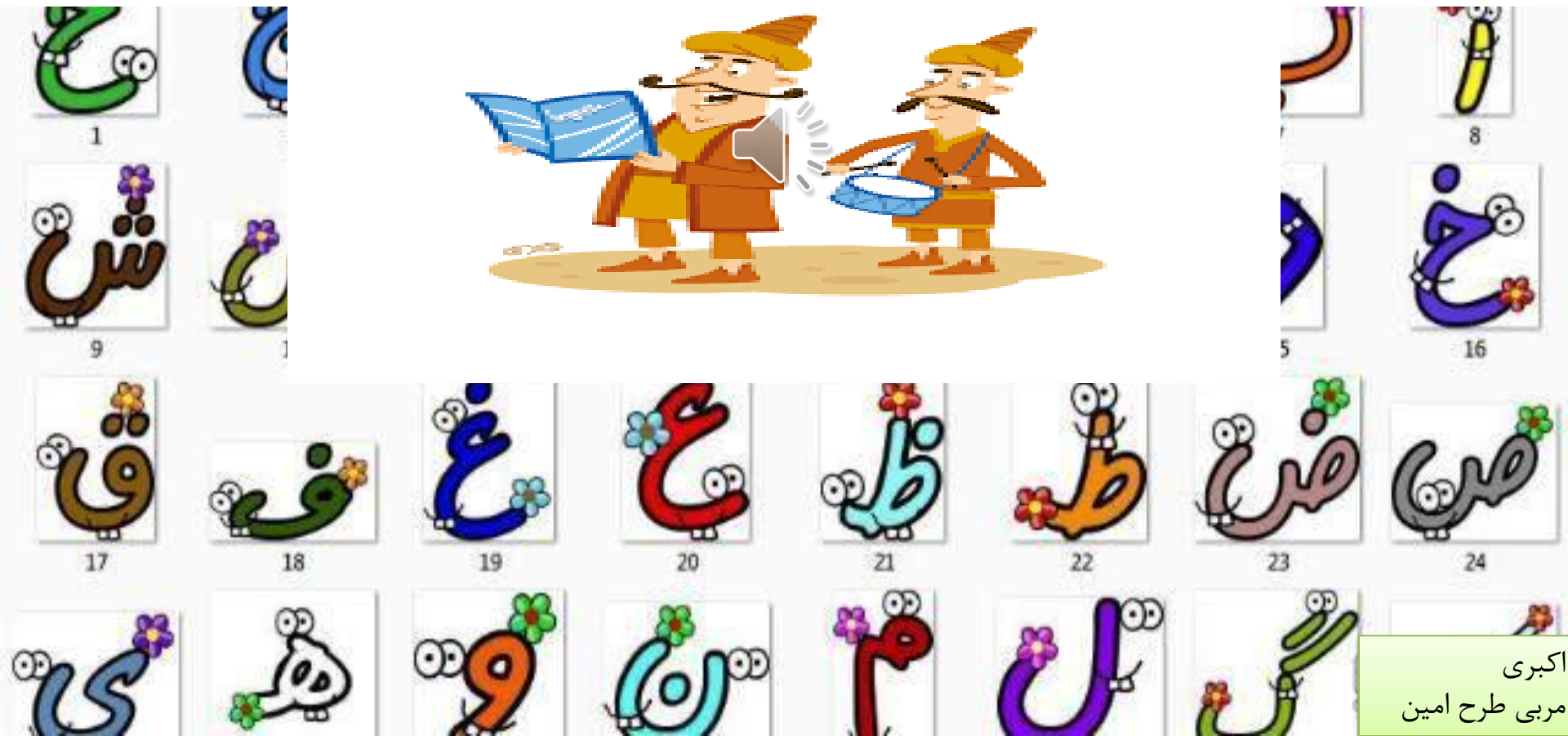
مربی طرح امین

یکباره صدایی به گوششان رسید ! - خبر دارم خبر، خبر دارم خبر همگی بیایید میدان شهر - صدای جارچی بود؟! ناگهان همه و غوغایی به پا شد حروف از همدیگر سوال می-کردند : چی شده؟! چه اتفاقی افتاده؟! جارچی چه خبر مهمی آورده؟! تصمیم گرفتند همه باهم به میدان شهر بروند تا از ماجرا با خبر شوند. ...



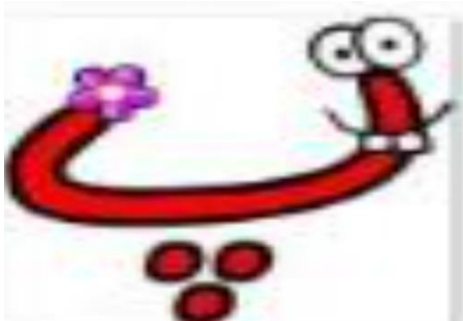
اکبری
مربی طرح امین

به میدان شهر که رسیدند جارچی گفت : قرار است همه باهم به سفر دوری بروند ؛ همه خوشحال شدند و از شادی یکدیگر را در آغوش می-گرفتند چون خیلی وقت بود که همه با هم به سفر نرفته بودند. اما یک سوال ذهن همه را درگیر کرده بود . چه وقت ؟ کجا ؟ چه جوری ؟ با چه وسیله‌ای ؟ جارچی گفت : قراره به سرزمینی خیلی دور سفر کنند که هوای خیلی گرمی داره .



چهار تا از حروف با شنیدن این حرف خیلی ناراحت شدند؛ با چشمانی اشک آلود در گوشه ای نشستند .

راستی بچه ها می دونید اون چهار تا حرف کدام حروف بودند و چرا ناراحت شدند ؟
آفرین چهار تا حرف (**پ ژ گ چ**) بودند.



دوستان‌شان از آنها پرسیدند : چرا ناراحت شدید ؟ مگر شما مسافرت دسته جمعی همراه دوستان واقوام را دوست ندارید؟
- گج و پژ - گفتند: ما مسافرت با شما را دوست داریم ؛ ولی نمی‌توانیم با شما به این سفر بیاییم ؛
چون آب و هوای آن منطقه خیلی گرم و طاقت فرسا است و ما تحمل گرما را نداریم و نمی‌توانیم در هوای گرم دوام بیاوریم .
ما در شهر خودمان می‌مانیم و برای سلامتی و موفقیت شما دعا می‌کنیم.
صبح روز بعد همه ی حروف غیر از چهار حرف (**گ، چ، پ، ژ**) با چمدان هایشان در میدان شهر آماده بودند
اتوبوس آمد ، همه سوار شدند و با خوشحالی به راه افتادند.



اکبری
مربی طرح امین

چند تا به سفر رفتند؟
احسنت چهار حرف (گ، چ، پ، ژ)

خوب، بچه های زرنگ و باهوش بگن بینم تعداد حروف الفبای فارسی چند تا بود؟
بله درسته ۳۲ حرف.



حالا بگید بینم چند تا حرف به سفر رفتند؟ آفرین به شما « ۲۸ » حرف به سفر رفتند
حروف قصه ما رفتند و رفتند و رفتند تا به مکانی که می خواستند رسیدند.
وقتی حروف از ماشین پیاده شدند با تعجب اطرافشان را نگاه می کردند و می گفتند وای
خدای من چقدر قشنگه! چقدر سرسبز! چقدر گرم و باصفا است! حروف الفبا تصمیم
گرفتند همان جا بمانند و آن جا را قلمرو خودشان قرار دهند.

اکبری
مربی طرح امین

قسمت دوم

نام گذاری حروف

حروف برای ورود باید خودشان را معرفی می کنند. اما آنها که اسمی نداشتند پس هر کدام از حروف اسمی برای خودشان انتخاب کردند و خودشان را به یکدیگر معرفی کردند .
اسامی حروف عبارت بود از :

بیست و هشت حرف الفبای عربی									
ا	الف	د	دال	ض	ضاد	ک	کاف		
ب	با	ذ	ذال	ط	طا	ل	لام		
ت	تا	ر	را	ظ	ظا	م	میم		
ث	ثا	ز	زا	ع	عین	ن	نون		
ج	جیم	س	سین	غ	غین	و	واو		
ح	حا	ش	شین	ف	فا	ه	ها		
خ	خا	ص	صاد	ق	قاف	ی	یا		

الف (همزه) ، با ، تا ، ثا ، جیم ، حا ، خا ، دال ، ذال ، را ، زا ، سین ، شین ، صاد ،
ضاد ، طا ، ظا ، عین ، غین ، فا ، قاف ، کاف ، لام ، میم ، نون ، واو ، ها ، یا

حروف بعد از معرفی خودشان گفتند : برای اینکه سرزمینمان نظم و انضباط داشته باشد باید یک فرد شایسته را برای وضع قوانین انتخاب کنیم . بعد از مشورت و رأی گیری حرف « ط »
که از همه قوی تر و درشت تر بود را به عنوان پادشاه انتخاب کردند.



و پادشاه از بین حروف الفبا شش حرف دیگر که تپل مپل و قوی بودند یعنی درشت و پرحجم بودند را به عنوان مشاورین خود انتخاب کرد که در صورت نیاز با آنان مشورت کند.



بچه های گلم دو حرف « لام » و « راء »

هم خیلی دوست داشتند که جزء مشاورین پادشاه باشند؛

اما پادشاه قبول نکرد و گفت:

درست است که شما گاهی اوقات درشت و پرحجم می شوید

اما مثل ما نیستید و نمی توانید در جمع ما باشید؛

هر جا که نیاز بود به شما اطلاع می دهیم که بیایید.



توجه : دو حرف « لام » و « راء » گاهی شبیه حروف درشت تلفظ می-شوند.

پادشاه و مشاورینش که هفت نفر از افراد درشت و قوی هیکل بودند ؛ اینگونه خود را معرفی کردند:

خ ، ص ، ض ، ط ، ظ ، غ ، ق

هـ، صـاد، ضـاد، طـاء، ظـاء، غـین، قـاف

مابقی حروف که بیست و یک حرف بودند نازک و کم حجم تلفظ می-شوند عبارتند از :

(ء أ إ)، ب، ت، ث، ج، ح، د، ذ، ر، ز، س، ش، ع

، ف، ک، ل، م، ن، و، ه، ی



اما بچه‌ها چون هنوز یه مشکلی وجود داشت !!!



چه مشکلی؟؟؟

آن‌ها نمی‌توانستند یکدیگر را صدا بزنند ، کلمه و جمله بسازند.

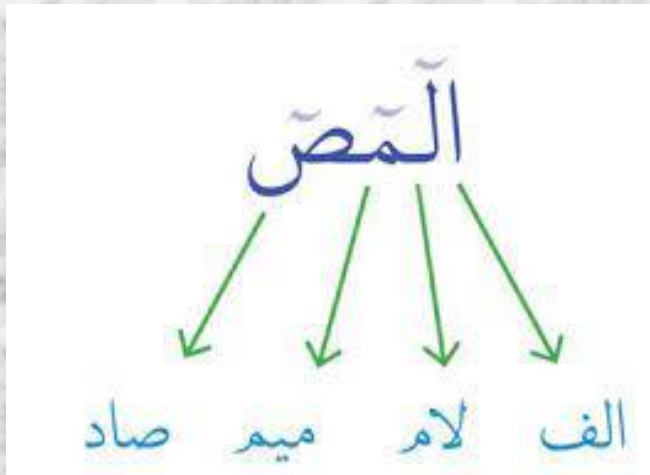


چرا؟؟؟

به خاطر این‌که اصلاً صدا نداشتند

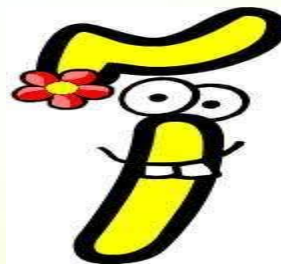
آن‌ها نیاز به قدرت بیشتری داشتند تا بتوانند متحد شوند و قلمرو خودشان را حفظ کنند.

توجه : حروف بدون حرکت (صدا) تلفظ نمی‌شوند.



قسمت سوم شهر باز (فتحه)

قلمرو حروف الفبای عربی سه تا محله داشت که اهالی آن‌ها به‌خوبی و خوشی در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند اما برای این‌که بتوانند یکدیگر را صدا بزنند نیاز به حرکت داشتند.



پادشاه دانای شهر باز (الف) را احضار کرد و به او گفت:

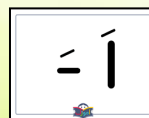
باید برای اهالی شهر باز حرکتی را انتخاب کنی؛

الف دانا اطاعت کرد و از پادشاه خواست تا فردا به او مهلت دهد.

الف دانا از برادر کوچک‌تر خود خواست تا در انتخاب صدا برای شهرشان به او کمک

برادر کوچک الف دانا گفت: برادر جان من می‌توانم روی حروف بایستم

اگر اجازه بدهی برای این‌که خسته نشوم به این شکل



روی حروف تکیه دهم ؟

نام خود را فتحه می‌گذارم چون وقتی - که حروف به کمک من تلفظ می‌شوند، هنگام تلفظ ، دهان - شان یکبار گشوده می‌شود.

الف دانا از برادرش تشکر کرد و با خوشحالی به قصر پادشاه رفت و حرکت شهر خودشان را به پادشاه معرفی کرد.

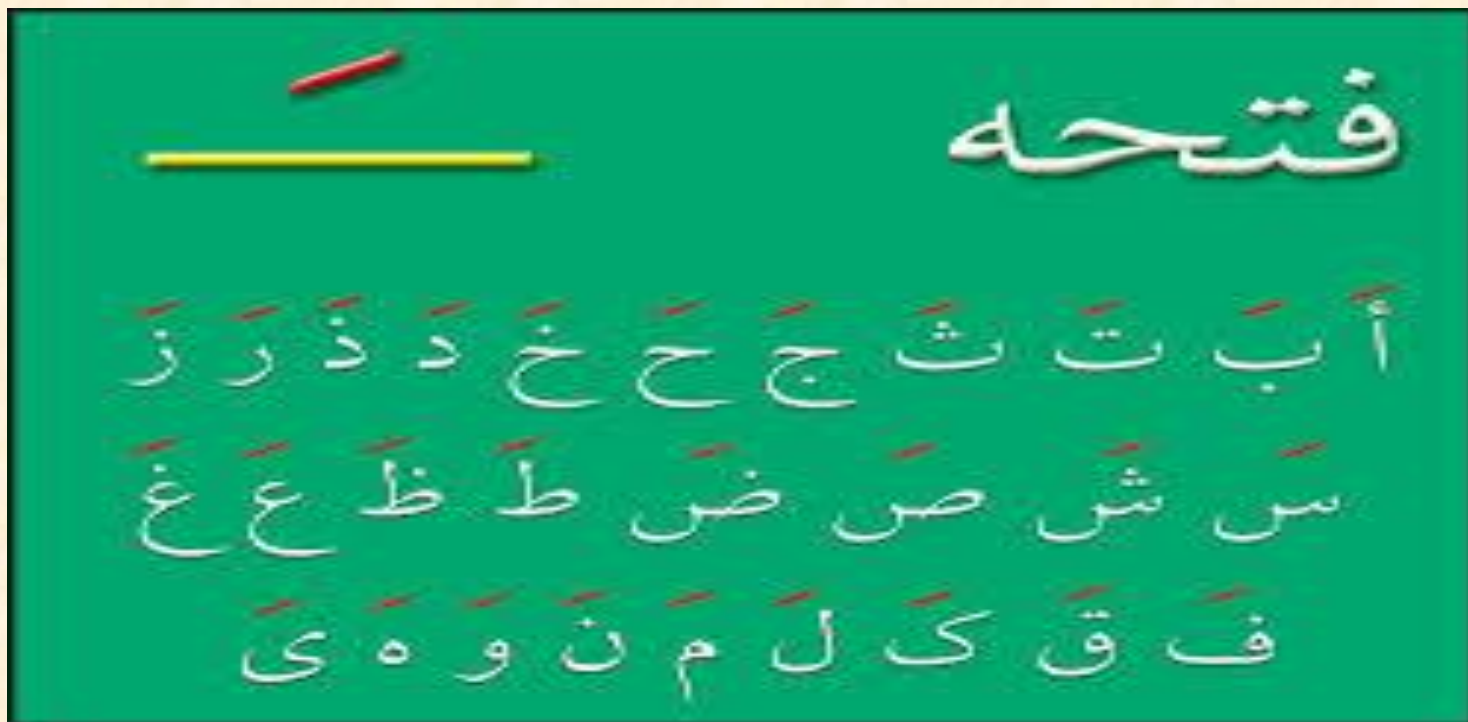
پادشاه او را تشویق کرد و گفت از این به بعد نام فامیل کسانی که حرکت فتحه دارند را مفتوح می‌گذاریم.



حال به اهالی شهر بگو بیايند

و حرکت خود را تحويل بگیرند .

حروف الفبا یکی پس از دیگری آمدند و حرکت فتحه کوتاه روی آنها قرار گرفت مانند این حروف :

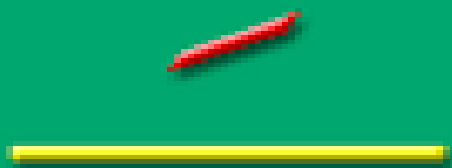


توجه: حروفی که دارای فتحه کوتاه هستند باید کوتاه و بدون کشش تلفظ شوند.

بچه های گلم حروف الفبا خیلی خیلی خوشحال بودند چون می توانستند یکدیگر را صدا بزنند و در کنار یکدیگر قرار بگیرند و با هم متحد شوند مانند این کلمات :

أَحَدَ ، عَشَرَ ، كَسَبَ ، وَوَجَدَكَ ، جَعَلَ ، رَفَعَ ، شَجَرَ ، كَتَبَ

فتحه



لَ + كَ ← لَكَ

سَ + جَ + دَ ← سَجَدَ

وَ + جَ + دَ + كَ ← وَجَدَكَ



اما

هنوز قدرت کافی نداشتند پادشاه «ط» به الف دانا گفت : برای این که حروف قدرت

بیشتری داشته باشند چه کاری می توانی انجام دهی ؟ الف دانا گفت: هر جا که نیاز باشد به کمک برادرم می روم و دست

او را به اندازه ۲ برابر حرکت فتحه می کشم به این شکل ۱ در کنار برادرم قرار می گیرم

اسم خود را فتحه ی کشیده (الف مدی) می گذارم

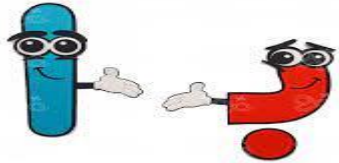
اما قدرت من در کنار ۸ حرف (خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق، ر) بیشتر از دیگر حروف است

به همین دلیل تلفظ آن ها متفاوت است . من در کنار این حروف **درشت و پر حجم** تلفظ می شوم.

فتحه کشیده مانند فتحه کوتاه تلفظ می شود ؛ فقط میزان کشش آن دو برابر فتحه کوتاه است



توجه : الفی که بعنوان کمک حرکت فتحه می آید باید بدون حرکت و علامت باشد.



هر حرف با حرکت خود یک بخش کلمه را تشکیل میدهد

الف مدّی
یا
فتحه کشیده



هَـ + ذَا ← هَذَا

هَـ + حَ + نَ ← هَمَنَ

عَ + نَا + نَا ← عَانَانَا

قسمت چهارم شهر شکسته (کسره)

صبح روز بعد پادشاه برای سرکشی به محله شکسته رفت

حرف « ی » که دانای آن شهر بود به استقبال پادشاه رفت.

پادشاه به او گفت: محله باز برای خودشان حرکت انتخاب کرده‌اند

و اسم آن را فتحه گذاشته‌اند؛ تو برای محله خود چه حرکتی را در نظر

گرفته‌ای که اهالی بتوانند یکدیگر را صدا بزنند . حرف « یاء » کمی

فکر کرد و از پادشاه خواست تا به او فرصت بدهد.

یاء دانا پیش برادر کوچک خود (یه) رفت و گفت: برادر جان پادشاه دستور داده است حرکتی را برای محله خود انتخاب کنیم:



آیا می‌توانی در این امر مهم به من کمک کنی ؟



ی

یاء کوچک کمی فکر کرد و گفت: بله برادر جان می توانم به شما کمک کنم

زیر حروف می ایستم.



نقطه هایم را برمی دارم ؛ کمرم را صاف می کنم و به این شکل

دقیقاً برعکس حرکت فتحه او روی حروف است و من زیر حروف.

یاء دانا خوشحال شد و برادرش را در آغوش گرفت و گفت: سپاسگزارم برادر جان . من هم نام تو را کسره می گذارم

توجه:(حرکت کسره کوتاه عربی مانند یاء مدی تلفظ می شود. فقط از میزان کشش یاء مدی کمی بکاهید)

تلفظ کسره کوتاه در عربی مانند تلفظ حرف اول در این کلمات است:

خِیَابَان ، بِیَابَان ، پِیاز ، نِیاز ، خِیار

کسره

اِبِ تِ ثِ جِ حِ خِ دِ ذِ رِ زِ
سِ شِ صِ ضِ طِ ظِ عِ غِ
فِ قِ کِ لِ مِ نِ وِ هِ یِ

کسره

شَ + هَ + دَ ← شَهْدَ
مَ + لَ + کَ ← مَلِکِ
اِ + بَ + لَ ← اِبْلِ

برادر جان هر جا نیاز به قدرت بیشتری داشتی خودم به کمکت می آیم و دستت را به اندازه دو برابر حرکت کسره کوتاه می کشم

به این شکل (۱- ی) یاء دانا نزد پادشاه رفت و حرکت محله شکسته را به پادشاه معرفی کرد پادشاه نامش را پرسید

یاء گفت : نام محله ما به شهر **کسره** تغییر نام داده است.

پادشاه گفت: نام خانوادگی حروفی که دارای حرکت کسره هستند را **مکسور** می گذاریم .
و دستور داد تا همه حروف شهر کسره نزد او بیایند و حرکت خود را تحویل بگیرند. بله بچه های گلم حروف یکی یکی آمدند و حرکت کسره را تحویل گرفتند .



« توجه : حرف « ی » باید بدون حرکت و علامت بعد از حرکت کسره کوتاه بیاید »

کسره کوتاه، کسره کشیده

یَ یِ (یِ)

حرف یاء بعد از حرکت کسره ی کوتاه در صورتی صدای کسره ی کشیده محسوب میشود که حرکت یا علامتی روی آن نباشد.

یاء مدّی یا	یِ	یَ
کسره کشیده		
اِی + هَا + نَ	←	اِیْمَانْ
دِی + نِی	←	دِیْنِی
مَ + لِی + نِی + نَ	←	مَدِیْنِیْنْ

قسمت پنجم شهر پیوسته (ضمه)

خبر شهر فتحه و کسره به محله پیوسته رسید و حروف نزد پادشاه رفتند و گفتند : ما هم دوست داریم یکدیگر را صدا بزنیم ، دوست داریم مانند دو شهر فتحه و کسره در کنار یکدیگر قرار بگیریم و قدرتمند باشیم.

پادشاه به فکر فرو رفت و رو به دانای آن شهر  کرد و گفت : دیگر استراحت بس است؛ باید به ماموریت بروی حکم ماموریت تو این است که هر چه سریعتر برای محله پیوسته حرکتی را انتخاب کنی. و او دانا اطاعت کرد و گفت : خیلی زود نتیجه را به شما اعلام خواهم کرد.

و او دانا رو به برادر خود که در حال بازی بود کرد و گفت : همان گونه که الف دانا و یاء دانا از برادر خود کمک گرفتند من هم فقط تو را شایسته این ماموریت مهم می دانم.

و او کوچولو قبول کرد و گفت بروی چشم برادر جان

من هم به همین صورت  روی حروف می نشینم .

و او دانا از برادر خود تشکر کرد و نام او را ضمه گذاشت .

بعد نزد پادشاه رفت و حرکت شهرشان را معرفی کرد . پادشاه از حروف خواست که بیایند و یکی یکی حرکت خود را تحویل بگیرند.



ضَمَّهُ

م

أَبْ تَ ثَ جَ حَ خَ دَ ذَ رَ زَ
سَ شَ صَ ضَ طَ ظَ عَ غَ
فَ قَ كَ لَ مَ نَ وَ هَ يَ

خُرُوس ، هُلُو ، طُلُوع ، غُرُوب ، قُلُوب ، سَطُوح

ضَمَّهُ

م

مَافَا + تَ + لَ ← مَقْتِلَ
كَ + نَ + بَ ← كُنْبَ
أَ + كَ + لَ ← أَكْلَ

پادشاه به واو دانا گفت : برای این که حروف قدرت بیشتری داشته باشند چه کاری انجام داده ای ؟

واو دانا گفت : در صورت لزوم، دست برادرم را به اندازه دو برابر حرکت ضمه کوتاه می کشم .

مانند این حروف :



واو مدّی
یا
ضمه کشیده

وَ بُو تُو ثُو جُو حُو خُو دُو ذُو رُو
زُو سُو شُو صُو ضُو طُو ظُو عُو غُو
فُو قُو كُو لُو مُو نُو وُو هُو یُو

واو مدّی
یا
ضمه کشیده

نُور ← نُورُ
خَالِدٌ وَنَ ← خَالِدٌ وَنَ
تُوْعٌ وَنَ ← تُوْعٌ وَنَ

توجه : حرف واو بعد از حرکت ضمه کوتاه باید بدون علامت و حرکت باشد.

در صورتیکه حرکت یا علامت داشته باشد دیگر حرکت نیست و مانند دیگر حروف تلفظ می-شود .

مانند : هُوَ

نکته : هرگاه بعد از واوی که در پایان کلمه است الفی بیاید که روی آن علامتی شبیه صفر باشد آن الف

همیشه ناخوانا است (یعنی هیچ وقت خوانده نمی-شود).

مانند :

قَالُوا خوانده می شود : قَالُوْ

كَانُوا خوانده می شود : كَانُوْ

مرور صداهای کوتاه و کشیده

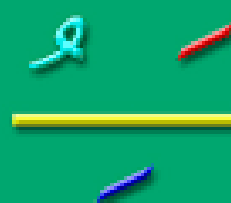
تمرین
درس صداهای کشیده



ءَاتُونِي نُوْحِيهَا يُوقِنُونَ
ءَايَاتِنَا سِنِينَ خَالِدِينَ فِيهَا

تمرین

درس حرکات کوتاه



قُتِلَ فُتِحَ كُتِبَ
أَجِدُ يَلِجُ سَأَلَكِ
فَبُهَّتْ رُسُلِكَ سَنَسِمُ

قسمت ششم

بی حرکت ها



بچه‌های عزیزم ، یک روز صبح زود که پادشاه تازه از خواب بیدار شده بود؛ دید حروف با عصبانیت در حال نزدیک شدن به قصر هستند، با تعجب پرسید: چه اتفاقی افتاده است ؟!
چرا حروف اینقدر عصبانی هستند ؟!



حروف اجازه گرفتند و وارد قصر شدند پادشاه علت ناراحتی آنان را پرسید ولی خیلی مهمه و سروصدا بود پادشاه اصلاً متوجه نمی شد که آن ها چه می گویند پادشاه گفت: خیلی آرام یک نفر توضیح بدهد تا متوجه شوم که چه اتفاقی افتاده است. یکی از حروف به نمایندگی از بقیه گفت : ای پادشاه بزرگ وقتی ما در حال استراحت هستیم بعضی ها ما را صدا می زنند و ما از خواب می پریم ؛

دیگر خسته شده ایم و استراحت نداریم لطفاً علامتی به ما بدهید تا دیگران متوجه شوند که ما در حال استراحت هستیم و نباید ما را تکان دهند.



پادشاه گفت : دستور می‌دهم از این به بعد وقتی شما در حال استراحت هستید خیلی آرام و خفیف شما را صدا بزنند آنگونه که اصلا حرکت پیدا نکنید و تکان نخورید .

در بین حروف صدایی به گوش می‌رسید ! صدای (**ق ط ب ج د**) بود ،

گفتند : ما خوابمان سنگین است با کمی تکان بیدار نمی‌شویم .

پادشاه علامت حروفی را که در حال استراحت بودند از ابتدای کلمه خفیف گرفت و نقطه آن را برداشت و به عنوان علامت سکون که معنی آن بدون حرکت است را در اختیار حروف قرار داد تا در حالت استراحت روی سر خود قرار دهند ؛ که دیگران با دیدن این علامت متوجه شوند که باید آن‌ها را طوری صدا بزنند که تکان نخورند.

یعنی باید بدانند که:



پادشاه دستور داد که حروف ساکن ، هیچ وقت اول کلمه نیایند و هنگام تلفظ با حرف حرکت دار قبل از خودشان خوانده شوند.
مانند این حروف:

أَءْ ، أَبْ ، أَتْ ، أَثْ ، أَجْ ، أَحْ ، أَخْ
أَدْ ، أذْ ، أَرْ ، أَزْ ، أَسْ ، أَشْ ، أَصْ ، أَضْ
أَطْ ، أَظْ ، أَعْ ، أَعْ ، أَفْ ، أَقْ ، أَكْ
أَلْ ، أَمْ ، أَنْ ، أَوْ ، أَهْ ، أَيْ

« حرف ساکن با حرف متحرک قبل از خود یک بخش کلمه را تشکیل می-دهد »
مانند :



حروف از پادشاه تشکر کردند و به
خانه-هایشان باز گشتند تا با خیال راحت
استراحت کنند.

تمرین

درس علامت سکون

أَمَدَدْنَاكُمْ فَلَيَمْدَدُ فَرَادَتْهُمْ

وَلَنَحْمِلُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ



قسمت هفتم

دوقلوهای به هم چسبیده

حرف (ط) از وقتی که پادشاه شده بود آرام و قرار نداشت چون هر روز حروف به مشکلی بر می خوردند و برای حل آن به پادشاه مراجعه می کردند . پادشاه باید با حوصله و مهربانی برای حل مشکل آنها فکر می کرد تا راه حلی اساسی پیدا کند .

امروز هم حروفی پیش پادشاه آمده اند که مثل هم هستند و پشت سرهم تکرار شده اند.
به صورتی که حرف اول آنها ساکن و حرف دوم حرکت دار است . خوب مشکل کجاست؟؟؟؟

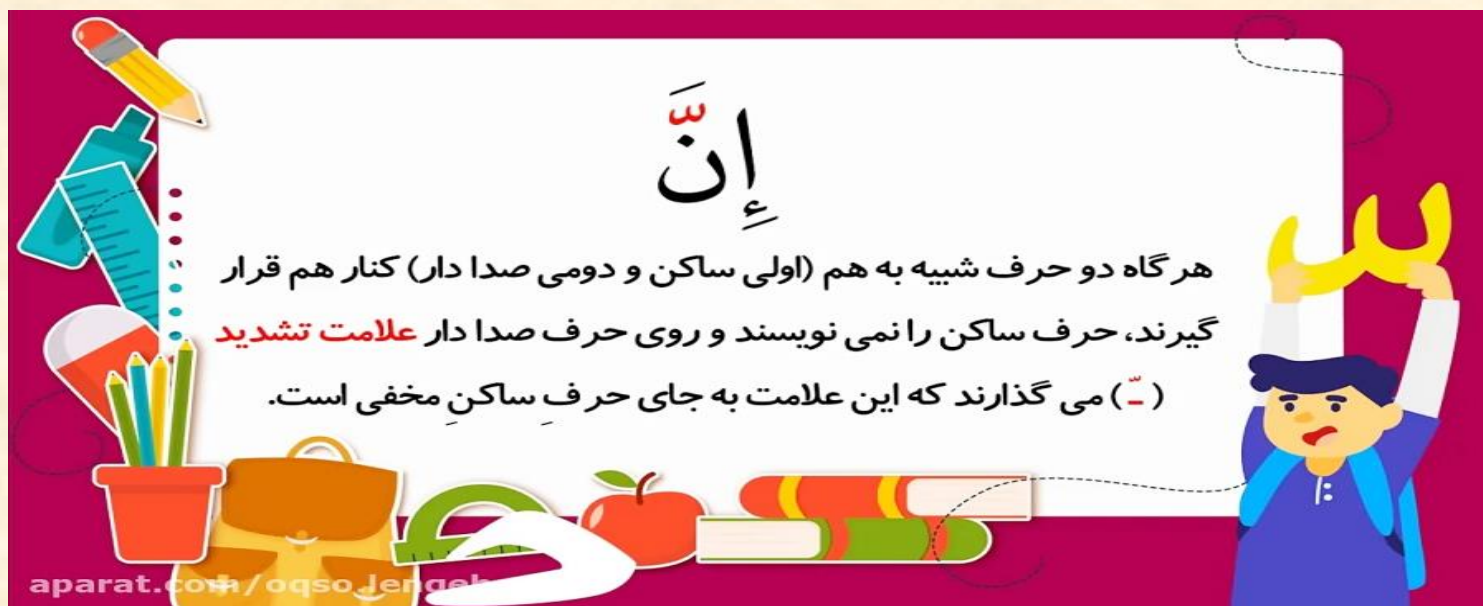


مشکل اینجا بود که :

حرف اول می گفت: من در حال استراحت هستم و به دستور پادشاه باید طوری من را صدا بزنند که از خواب بیدار نشوم و تکان نخورم

و حرف دوم می-گفت : هرکدام از ما حرفی مستقل هستیم و باید تلفظ شویم .

پادشاه کمی فکر کرد و گفت :حرف اول را به مرخصی می فرستیم و به جای آن تاجی را روی سر حرف دوم می گذاریم به این شکل **إِنْ** تا مشخص شود که شما دو نفر هستید و هنگام تلفظ نباید از یکدیگر جدا شوید. باید اینگونه نوشته و خوانده شوید :





پادشاه نام این علامت (**ـ**) را تشدید گذاشت و دستور داد هرگاه علامت تشدید روی حرفی قرار گرفت با دقت بیشتری تلفظ شود همچنین دستور داد حرفی که علامت تشدید روی آن قرار دارد نباید اول کلمه بیاید و باید با حرف حرکت دار قبل از خود بدون فاصله تلفظ شود. و گفت:

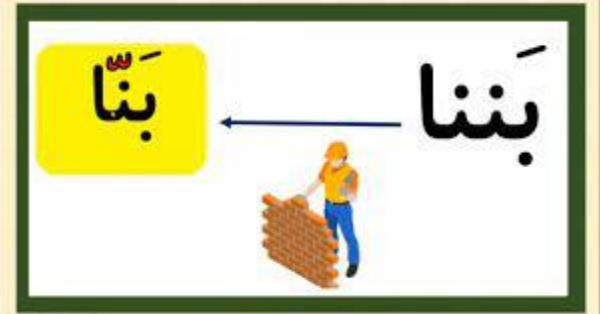
« **حروفی که تشدید دارند با حرف حرکت دار قبل از خود دو بخش کلمه را تشکیل می-دهند** »

با دستور پادشاه حروف اول که ساکن بودند به صورت تاج بر سر حروف دوم قرار گرفتند و به خواب عمیقی فرو رفتند .



علامت تشدید

س



پادشاه دستور داد : حرف تشدید دار و حرف حرکت دار قبل از آن هنگام تلفظ نباید از یکدیگر جدا شوند.

~~إِنْ~~

همچنین حروفی که تشدید دارند دو حرف محسوب می شوند که حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک است باید توجه داشت هنگام تلفظ این دو حرف نباید از یکدیگر جدا شوند . مانند :

~~إِنْ~~

أءَ ، أَبَّ ، أَتَّ ، أَثَّ ، أَجَّ ، أَحَّ ، أَخَّ ، أَدَّ ، أذَّ ، أَرَّ ، أَزَّ ، أَسَّ ، أَشَّ ، أَصَّ ،
أَضَّ ، أَطَّ ، أَظَّ ، أَعَّ ، أَغَّ ، أَفَّ ، أَقَّ ، أَكَّ ، أَلَّ ، أَمَّ ، أَنْ ، أَوَّ ، أَهَّ ، أَىَّ

تَحِيَّتٌ - رَبِّكَ - إِنَّهُمْ - خَفَّتْ - لَتَرَوُنَّهَا - تَنْزِيلٌ - نَبَأَنِي
 مَلَأَكُنَّ - لِيُضَيِّقُوا - وَلَا تُضَارُّوهُمْ - فَكَاتُوهُنَّ - صِدْقاً
 أَجُورَهُنَّ - أَشَدَّهُ - لَا نُكَلِّفُ - يُحَكِّمُوكَ - مُبَشِّرِينَ
 أَيُّوبَ - يَسْلَمُوا - يَخْتَصِمُ

٨	٧	٦	٥	٤	٣	٢	١
.....		و	هـ	ر	ـ	لـ	ـ

قسمت هشتم

الف دوستی

پادشاه قصه ما وقتی علامت سکون و تشدید را برای حروف انتخاب کرد رفت که با خیال راحت استراحت کند که ناگهان سر و صدایی بلند شد همه‌مه شده بود پادشاه رفت و سوال کرد که چه اتفاقی افتاده است چرا این قدر سردرگم هستید؟ حروف گفتند: طبق دستور شما حرف ساکن و مشدد نباید در اول کلمه خوانده شوند اما بعضی از کلمات هستند که با سکون و یا تشدید شروع شده‌اند، در این مواقع تکلیف ما چیست؟ پادشاه از آن‌ها خواست تا مثال بزنند گفتند:

لَحْکِیْمُ لَشَّمْسُ ضَرْبُ

مثل این کلمات

پادشاه به فکر فرورفت که الف مهربان به کمکش آمد و گفت: ای پادشاه من می‌توانم این مشکل را حل کنم پادشاه پرسید چگونه؟! الف مهربان گفت: در ابتدای این کلمات می‌ایستم و حرف حرکت دار قبل از خود را با صدای کوتاه به حرف بعد از خود که ساکن یا تشدید دار است وصل می‌کنم.

پادشاه خوشحال شد و از الف وصل تشکر و قدردانی کرد و گفت من هم صاد کوچکی را به تو هدیه می‌دهم تا بعنوان نشانه روی سرت بگذاری تا با دیدن آن، حروف متوجه شوند که شغل تو چیست.

می‌گذارم

الف وصل

و نامت را

اَ

پادشاه از الف مهربان خواست تا برایش مثال بزند الف مهربان گفت مثل این کلمات:

مِنَ الْقَوْلِ - مِنَ السَّمَاءِ - لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ - إِنَّ الَّذِينَ
تُمْ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ - مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ - يَلْقَوْنَ أَعْبُدُوا اللَّهَ
وَنُمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ - نُوا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ
وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ - وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ - إِذَا انْتَسَقَى
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ - وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ - وَذَكَرَ اسْمَ
إِلَهِ الَّذِينَ - عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ - نِي الْأَوْتَادِ - مَا الطَّارِقُ

قسمت نهم

ماجرای نون پنهان

پادشاه برای سرکشی به قلمرو حروف رفته بود همین طور که در کوچه و پس کوچه های شهر قدم می زد نون ساکن را دید که خیلی ناراحت در گوشه ای نشسته است و با کسی صحبت نمی کند. پادشاه علت ناراحتی او را سؤال کرد؛ نون گفت : من نون ساکنی هستم که گاهی اوقات در آخر بعضی از کلمات خوانده می شوم و جزء اصلی کلمه نیستم به همین خاطر نون اصلی به من اعتراض کرده است که نباید به این شکل در آخر کلمات حاضر شوم ؛ چون من را با او اشتباه می گیرند و فکر می کنند من هم جزء اصلی کلمه هستم. پادشاه گفت : ناراحت نباش فردا صبح به قصر من بیا تا مشکلت را حل کنم. فردا صبح زود نون ساکن به قصر پادشاه رفت و سلام کرد و گفت : ای پادشاه مهربان آیا برای مشکل من راه حلی پیدا کرده ای؟ پادشاه جواب سلام نون را با مهربانی داد و گفت : بله عزیزم ناراحت نباش دستور می دهم که به جای نوشتن تو در آخر کلمات حرکت حرف آخر کلمه را دو بار تکرار کنند به این شکل : { َ ُ } اینک نام تو را تنوین می گذارم و در کتاب قوانین شهر می نویسم که هر وقت این علامت-ها را در آخر کلمه دیدند ، آخر کلمه باید صدای نون ساکن داشته باشد و برای هر کدام از آن ها نامی را انتخاب می کنم .



تنوین فتحه (َ) بعد از معرفی خودش گفت : بیشتر اوقات من همراه « الف » می آیم
که این الف همیشه ناخوانا است مانند : کِتَاباً

گاهی اوقات هم با حرف (ی) همراه می شوم که آن هم خوانده نمی شود مانند : هُدًی

تنوین کسره (جر) که شامل کسره + نون ساکن است . مثل : یَوْمٌ که خوانده می شود : یَوْمِین

تنوین ضمه (رفع) که شامل ضمه + نون ساکن است . مثل : یَوْمٌ که خوانده می شود : یَوْمِین

مَعْدُورًا - عِظَامًا - غَوَاشٍ - مَيِّتٍ - خَصِيمٍ - رَعُوفٌ
أَسْمَاءٍ - مَكْرُوهًا - وَكِيلًا - صَالِحٍ - طَوِيلًا - مُبِينٌ
حَرَامٌ - شَأْنٍ - حَمِيمٍ - زَبُورًا - أُمَمٍ - مُخْتَلِفٌ

نون تنوین قصه ما شاد و خوشحال از اینکه مشکلی حل شده بود؛ از پادشاه خدا حافظی کرد و به خانه-اش برگشت

قسمت دهم

اختلاف تنوین و الف وصل

در درس های قبل یاد گرفتیم که تنوین ها در آخر کلمات می آیند و صدای آخر کلمه نون ساکن است.

روزی از روزها تنوین ها به همراه حروف با خوشحالی در حال گشت و گذار بودند که ناگهان ! به الف مهربان رسیدند خواستند به حرف بعد از الف مهربان سلام کنند و دست بدهند که الف به آن ها اجازه نزدیک شدن را نداد :

یکی از تنوین ها با ناراحتی و تعجب گفت : ای الف مهربان مگر شغل تو وصل کردن کلمات به یکدیگر نیست ؟
الف وصل گفت : بله شغل من وصل کردن است .

تنوین گفت : پس چرا به ما اجازه نمی دهی که با دوستانمان دست بدهیم ؟

الف وصل با مهربانی و آرامش گفت : چون قبلاً اعلام کرده بودم قبل از من فقط حروفی می توانند به حرف بعد از من متصل شوند که یکی از صداهای کوتاه [فتحه (َ) ، کسره (ِ) ، ضمه (ُ)] را داشته باشند. حال آنکه شماها اصلاً صدا ندارید و ساکن هستید . تنوین ها با ناراحتی به فکر فرو رفتند و بعد از مدتی به این نتیجه رسیدند که همراه الف وصل به قصر بروند و از پادشاه کمک بگیرند. پادشاه مثل همیشه با مهربانی جواب سلام آن ها را داد و به حرف های آن ها گوش کرد. تنوین گفت ای پادشاه مهربان مگر در قوانین تنوین نفرمودید هر وقت علامت تنوین را دیدید؛ آخر کلمه باید صدای نون ساکن داشته باشد . پادشاه جواب داد : بله درست است . مشکل کجاست ؟ الف وصل گفت : ای پادشاه بزرگ مگر در قوانین وصل ننوشتید قبل از من فقط حروفی که صدای کوتاه دارند اجازه وصل شدن را دارند ؟

پادشاه گفت : بله همین طور است شما هم درست می گوئید. پس اختلاف شما بر سر چه چیز است؟

تنوین گفت اختلاف ما آن جاست که وقتی ما قبل از الف وصل می آییم چون ساکن هستیم و حرکت نداریم الف به ما اجازه وصل شدن را نمی دهد. از شما تقاضا داریم که اختلاف ما را حل کنید.

پادشاه مانند همیشه وقتی به مشکلی برمی خورد با صبر و حوصله و مشورت راهی برای آن پیدا می کرد.
در همین حال بود که چشمش به حرکت کسره افتاد و گفت : فرمانی صادر می کنم و دستور می دهم که نون تنوین نزد الف وصل با حرکت کسره کوتاه خوانده شود بدین گونه مشکل حل خواهد شد و می تواند به حرف بعد از الف وصل که تشدید یا سکون دارد وصل شود. بروید و به این روشی که گفتم تمرین کنید تا مطمئن شوم که مشکل کاملاً حل شده است ؟



خَيْرٌ اهْبِطُوا ← خَيْرٌ نِ اهْبِطُوا

نُوحِ الْمُرْسَلِينَ ← نُوحِ نِ الْمُرْسَلِينَ

لَهُوَ أَنْفَضُوا ← لَهُوَ نِ أَنْفَضُوا

قسمت یازدهم

حروف بی اثر

پادشاه برای سرکشی به کلمات به شهر رفته بود که متوجه شد بعضی از حروف وقتی به پادشاه می‌رسند سلام نمی‌دهند و کلماتی هم بودند که وقتی دیگران آن‌ها را تلفظ می‌کردند یک حرف از آن‌ها را نمی‌خواندند. پادشاه با دیدن این وضعیت تعجب کرد و با دقت بیشتری به این کلمات نگاه کرد و متوجه شد که در بعضی از کلمات دو حرف در کنار یکدیگر قرار دارند که دارای یک حرکت هستند؛ حرف اول در کلمات متفاوت بودند. اما حرف دوم که خوانده نمی‌شد یکی از دو حرف (و ، ی) بود و حرکت آن هم فتحه ی کشیده (الف مدی) بود مثل این کلمات :

۱: يَعْشَى . وَالْأَنْثَى . لَشَقَى . أَعْطَى
۲: وَاتَّقَى . بِالْحُسْنَى . لِلْيُسْرَى . لِلْعُسْرَى
۳: لِلْهُدَى . وَالْأُولَى . تَلْظَى . تَوَلَّى
۴: يَتَزَكَّى . تُجْزَى . رَبِّهِ الْأَعْلَى . فَتَاوَى
۵: وَاسْتَغْفَى . يَرْضَى . زَكَاةً . حَيَاةً

همراهان حرف همزه أَ اِ وِ يِ (تَبِ)

حرکت فتحه روی حرف اول است و الف که نشانه کشش فتحه است روی حرف دوم قرار دارد .

پادشاه متوجه شد در چنین مواقعی فقط حرف اول با حرکت فتحه کشیده خوانده می شود و حرف دوم خوانده نمی شود. در بعضی از کلمات هم مشاهده کرد در مواقعی که همزه با سه حرف (ا، و، ی) همراه شود فقط همزه تلفظ می شود و آن سه حرف خوانده نمی شوند .

مانند :

أَنْتُمْ ، مُؤْمِنٌ ، يُبْدِي ، يَوْمَئِذٍ

قسمت دوازدهم

قوانین سکوت و تنفس

روزی از روزها دانایان سرزمین الفبای عربی تصمیم گرفتند به دیدن پادشاه بروند تا گزارش اتحاد و همبستگی حروف و چگونگی تلفظ جملات را به پادشاه بدهند. آن‌ها در گزارش خود نوشته بودند که بعضی از افراد بدون این‌که به معنی جمله دقت کنند هر جایی که دلشان بخواهد سکوت می‌کنند و این کار باعث تغییر در معنای جمله می‌شود. پادشاه ناراحت شد و گفت: باید به سرعت جلسه‌ای تشکیل دهیم و مقرراتی را برای وقف بر پایان کلمات بنویسیم. عصر آن روز پادشاه و دانایان شهر الفبا جلسه‌ای تشکیل دادند و اعلام کردند که از این پس هر وقت خواستید دربین قرائت سکوت کنید، باید این قوانین را رعایت نمایید:

۱_ کلماتی که حرف آخر آن‌ها یکی از حرکات کوتاه « »، «تنوین کسره ـ»، تنوین ضمه ـ را داشته باشد هنگام وقف، آن حرکت و تنوین به «سکون» تبدیل می‌شود. مانند:

تَعْبُدُونَ — تَعْبُدُونْ

فِي الْعَقَدِ — فِي الْعَقَدْ

مَسَدٍ — مَسَدْ

تَبَّ — تَبْ

توجه: حروفی که حرف آخر آنها دارای تشدید است هنگام وقف باید با دقت تلفظ شوند.

۲_ کلماتی که حرف آخر آن‌ها «ة» باشد - با هر حرکت و علامتی - در هنگام وقف به هاء ساکن خوانده می شود.
مانند:

هنگام وصل خوانده میشود	هنگام وقف خوانده میشود	در وصل خوانده میشود	هنگام وقف خوانده میشود
أَقِمْ الصَّلَاةَ	أَقِمْ الصَّلَاةَ	وَقَعْتَ الْوَأَقِعْ	وَقَعْتَ الْوَأَقِعْ
فِي الْحَافِرَةِ	فِي الْحَافِرَةِ	غَلَبَتْهُمْ مُؤَصَّدَةٌ	غَلَبَتْهُمْ مُؤَصَّدَةٌ
لَحَلٍّ خَاوِيَةٍ	لَحَلٍّ خَاوِيَةٍ	عَنِ الْفَرِيَةِ	عَنِ الْفَرِيَةِ

۳_ کلماتی که حرف آخر آن‌ها دارای تنوین نصب **ـُ** باشد در هنگام وقف نون ساکنِ تنوین حذف می‌شود و آخر کلمه با صدای فتحه کشیده خوانده می‌شود.

مَاءٌ — مَاءَا

هُدًى — هُذَا

كَبِيرًا — كَبِيرَا



پادشاه بعد از این که قوانین توقف را نوشت حروفی را انتخاب کرد و به آن‌ها ماموریت داد تا در مکان‌های مناسب برای توقف بایستند و افراد را راهنمایی کنند. آن حروف و ماموریت آن‌ها عبارتند از :

جناب آقای « **م** » هر کجا آن را دیدید نشانه آن است که لازم است حتماً وقف کنید.
جناب آقای « **لا** » هر جایی که این مامور ایستاده باشد نشانه آن است که وقف ممنوع است و نباید ایستاد .

جناب « **صلی** » هر جایی که این مامور ایستاده است بدانید که حرکت بهتر از توقف است.

جناب « **قلی** » وجود این مامور نشانه آن - است که توقف بهتر از حرکت است.
جناب آقای « **ج** » هر کجا که بایستد نشانه آن است که وقف جایز است .

درس سیزدهم

دوستان صمیمی

از بین حروف الفبا حروفی بودند که علاقه زیادی به یکدیگر داشتند و به هم چسبیده بودند؛ دلیل این علاقه و چسبندگی وجود یک راز میان آنها بود که هیچ کسی جز خداوند و رسولش از آن خبر نداشت.

این حروف چون حرکتی نداشتند و در اصل کلمه هم نبودند؛ پادشاه دستور داد که هر یک از آنها را جدا جدا و با اسامی مخصوص خودشان صدا بزنند. پادشاه آنها را حروف مقطعه نامید.

از صد و چهارده سوره قرآن بیست و نه سوره آن با حروف مقطعه آغاز می‌شوند. که باید آنها را جدا جدا و با اسامی مخصوص به خودشان خواند.

یس = یاسین

الم = الف لام میم

طسم = طا سین میم

حمعسق = حا میم عین سین قاف

قسمت چهاردهم

قانون تلفظ الف وصل در ابتدای خواندن

پادشاه که سیزده روز پرماجرا را پشت سر گذاشته بود، خسته و کوفته در حال بازگشت به قصر بود تا استراحت کند، چشمش به کلماتی افتاد که در ابتدای خواندن با الف وصل شروع شده‌اند. پادشاه دانایان شهر را احضار کرد و گفت برای این که این کلمات اشتباه خوانده نشوند چه پیشنهادی دارید؟ گفتند: از برادران کوچک خود کمک می‌گیریم پادشاه سؤال کرد چگونه؟ الف دانا گفت: اگر بعد از الف وصل حرف لام باشد من از برادرم می‌خواهم روی الف قرار بگیرد و کلمه به کمک فتحه ی کوتاه تلفظ شود. مانند: **الْحَمْدُ الشَّمْسُ**

پادشاه پرسید: اگر بعد از الف، لام نبود تکلیف چیست؟ یاء دانا جلو آمد و گفت: در این صورت به اولین حرکت نگاه می‌کنیم؛ اگر اولین حرکت بعد از الف وصل فتحه یا کسره باشد الف وصل به کمک برادر کوچک من با صدای کسره کوتاه تلفظ می‌شود. مانند: **إِضْرِبْ اِتَّخَذُوا**

پادشاه پرسید: حال اگر اولین حرکت ضمه باشد چگونه تلفظ می‌شود؟

واو دانا جلو آمد و گفت: در این حالت، برادر کوچک من به کمک می‌آید و روی الف می‌نشیند و الف وصل با حرکت ضمه کوتاه تلفظ می‌شود. مانند: **أَنْظِرْ أَشَدُّدْ**

پادشاه نفس راحتی کشید و از این که تمام مشکلات سرزمین الفبای عربی را حل کرده بود، خوشحال و خندان به قصرش باز می‌گشت تا استراحت کند اما غافل از این که حکایت همچنان باقی است.

چگونگی تلفظ
الف وصل ا
در ابتدای خواندن

الشَّمْسِ . اقْتَرَبَ . اهْتَدَوْا . الصَّلَاةَ
الْبَاسَاءِ . اضْرِبَ . اهْبِطُوا . ادْخُلُوا
ابْنَ . الْقِصَاصِ . الدَّاعِ . الشَّهْرِ
اَقْتُلُوهُمْ . انْتَهَوْا . الْفِتْنَةَ . ابْنُ
اسْمُ . اَعْلَمُوا . اسْتِكْبَارًا . اسْتَوَى



پایان

معصومه اکبری مربی طرح امین

الہی...

پیمان جاوہ زندگی...

حاجتِ خیر کی بات...